

# حق مسکن؛ نقطه حساس مذاکرات مزدی

شورای عالی کار پیشنهاد افزایش حق مسکن را ارائه کرده و تصویب آن در هیأت دولت می‌تواند وزن سیاسی و معیشتی پرونده دستمزد کارگران را سنگین‌تر کند

مستقیماً با سفره و زیست روزمره کارگران پیوند خورده است. تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور در دی‌ماه ۱۴۰۴ به ۶۰ درصد رسیده؛ یعنی خانوارها به طور میانگین، ۶۰ درصد بیشتر از دی‌ماه سال قبل برای خرید مجموعه‌ای یکسان از کالاها و خدمات هزینه کرده‌اند. این شاخص نسبت به ماه قبل نیز ۷.۴ واحد درصد افزایش یافته و نشانه‌ای آشکار از شتاب گرفتن موج گرانی در ماه‌های اخیر است؛ اما روایت تلخ‌تر، در گروه کالاهای خوراکی و آشامیدنی رخ می‌نماید؛ جایی که تورم نقطه به نقطه حدود ۹۰ درصد برآورد شده است. معنای این عدد ساده و در عین حال تکان دهنده است: کارگران در دی‌ماه ۱۴۰۴ برای تأمین یک سبد مشخص از خوراکی‌ها، ناچار بوده‌اند نزدیک به دو برابر دی‌ماه ۱۴۰۳ هزینه کنند. در کنار این فشار، تورم ماهانه نیز به ۷.۹ درصد رسیده است؛ در حالی که تورم ماهانه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۱۳.۷ درصد و تورم ماهانه کالاهای غیرخوراکی و خدمات ۴.۴ درصد گزارش شده است. کمیته دستمزد با استناد به همین داده‌ها، میزان افزایش هزینه‌های زندگی در سال جاری و حداقل هزینه‌های قابل قبول برای بقا را تعیین می‌کند. اعضای کارگری شورای عالی کار انتظار دارند دستمزد ۱۴۰۵ متناسب با این محاسبات افزایش یابد. در مقابل، اعضای کارفرمایی نیز بر تأمین سبد معیشت حداقلی تأکید دارند و در نهایت پای رقم سه‌جانبه امضا می‌گذارند، اما بر این باورند که بخشی از بار معیشت باید بر دوش دولت قرار گیرد و همه هزینه‌ها قرار نیست صرفاً از مسیر مزد و حقوق جبران شود.

## نگاه کارفرمایان به دستمزد

از منظر کارفرمایان، بحث دستمزد را نمی‌توان جدا از مسئولیت‌های حاکمیتی دولت فهم کرد. اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، با استناد به اصول ۳۰، ۳۱ و ۳۱ قانون اساسی تأکید می‌کند که تأمین مسکن، آموزش و درمان، وظیفه بی‌قید و شرط دولت است؛ درمان همگانی و رایگان، آموزش رایگان و فراهم کردن مسکن با اولویت کارگران، نه یک توصیه اخلاقی، بلکه تکلیف قانونی است و باید در قالب برنامه‌های عملی و قابل اجرا دنبال شود. اومی گوید اگر کارگر از مسکن مناسب و خدمات عمومی آموزش و درمان برخوردار باشد، دستمزدی که پایان ماه دریافت می‌کند می‌تواند با آرامش بیشتری صرف اداره زندگی شود. در این نگاه، شکست یا تعلل در طرح‌های مسکن کارگری، یکی از عوامل اصلی تشدید فشار معیشتی و تبدیل شدن اجاره‌خانه به کابوس دائمی طبقه کارگر است. با این حال، حتی در چارچوب همین اسدلال نیز اصل دستمزد عادلانه زیر سؤال نمی‌رود. دستمزد باید به گونه‌ای تعیین شود که کارگری که روزی هشت ساعت کار می‌کند، شرمنده خانواده نباشد و بتواند نیازهای ضروری را تأمین کند. هم‌زمان، نمایندگان کارگری نیز انتظار دارند دولت در مذاکرات مزدی امسال، همراهی بیشتری نشان دهد تا افزایش مزده تصمیمی عادلانه و واقعی نزدیک شود.

## آیا فشار معیشت کارگران کاهش می‌یابد

زمان‌بندی تعیین دستمزد ۱۴۰۵، در هفته‌های پیش رو به مهم‌ترین گره سیاست‌گذاری اجتماعی کشور تبدیل می‌شود. نشانه‌ها حاکی از آن است که جلسات جدی شورای عالی کار از ابتدای اسفند کلید خواهد خورد؛ هم‌زمان این امیدواری وجود دارد که تا پیش از آغاز رسمی این ماه، یا دست‌کم در روزهای نخست آن، رقم «سبد معیشت حداقلی خانوارهای کارگری» در کمیته دستمزد نهایی شود و به امضای سه ضلع دولت، کارفرمایان و کارگران برسد. در صورت تحقق این مرحله، چانه‌زنی‌های مزدی بر مبنای عددی آغاز خواهد شد که قرار است ترجمان حداقل هزینه‌های واقعی زندگی باشد. با این حال، احتمال دیگری نیز مطرح است؛ اینکه پیش از نهایی شدن رسمی سبد معیشت، تصمیم نهایی گرفته شود و حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار زودتر از انتظار تعیین گردد. در همین چارچوب، احمد میدری وزیر کار در هجدهم بهمن اعلام کرد هدف اصلی جلسات تعیین دستمزد، «حفظ قدرت خرید کارگران» است. او گفت جلسات مقدماتی شورای عالی کار برگزار شده و دیدگاه‌های کارفرمایان، کارگران، دولت، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه در حال جمع‌بندی است؛ به گفته وزیر، تصمیم نهایی احتمالاً در جلسه هفته آینده اتخاذ خواهد شد. این اظهارات، از یک‌سو نشان می‌دهد دولت می‌کوشد فرایند تعیین مزد را در بازه‌ای کوتاه‌تر به سرانجام برساند و از سوی دیگر، پیام روشنی به افکار عمومی می‌دهد: پرونده مزد، به نقطه‌ای رسیده که دیگر نمی‌توان آن را به تعویق انداخت.



نوشین مقدم پناه روزنامه نگار

عکس: احسان‌نادر پورانیان

فاصله میان مزد و معاش را به شکافی عمیق بدل کرده است. با این همه، مذاکرات جدی دستمزد ۱۴۰۵ هنوز آغاز نشده است. محاسبات سبد معیشت، بر عهده کمیته مزد ذیل شورای عالی کار است؛ کمیته‌ای سه‌جانبه که تا امروز بیش از دو جلسه برگزار کرده اما هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. به این ترتیب، حق مسکن در روزهای پیش‌رو می‌تواند هم به عنوان یک سیگنال فوری برای ترمیم حداقلی درآمد کارگران مطرح باشد و هم به عنوان مقدمه‌ای برای مذاکرات اصلی، وزن سیاسی و اجتماعی پرونده دستمزد ۱۴۰۵ را سنگین‌تر کند.

## داده‌های تورمی و مذاکرات مزدی

داده‌های تورمی در مذاکرات مزدی نه یک پیوست آماری، بلکه ستون فقرات تصمیم‌گیری است؛ همان جایی که سبد معیشت خانوارهای کارگری از دل اعداد رسمی بیرون کشیده و سپس به میز چانه‌زنی در شورای عالی کار منتقل می‌شود. به گفته علی خدایی، کمیته مزد با اتکا به داده‌های مرکز آمار ایران، محاسبه سبد معیشت را پیش می‌برد و احتمالاً آمار تورمی دی‌ماه ۱۴۰۴ مبنای نهایی این محاسبات قرار خواهد گرفت؛ دی‌ماهی که تصویر روشن‌تری از حداقل هزینه‌های زندگی یک خانواده متوسط کارگری به دست می‌دهد. مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه کشور در دی‌ماه ۱۴۰۴ را ۴۴.۶ درصد اعلام کرده؛ رقمی که در دهک‌های هزینه‌ای مختلف نوسان دارد و از ۲۳.۵ درصد در دهک دهم تا ۴۶.۸ درصد در دهک دوم امتداد می‌یابد. اما در منطق کمیته مزد، آنچه بیش از تورم سالانه اهمیت دارد، تورم نقطه به نقطه است؛ به ویژه در بخش خوراکی‌ها که

در مسیر بهبود حداقل دریافتی کارگران تبدیل شود. در حال حاضر، رقم حق مسکن کارگران ۹۰۰ هزار تومان است؛ عددی که در مذاکرات مزدی سال ۱۴۰۴ ثابت ماند و افزایش نیافت. با این حال، در هفته‌های اخیر و پیش از آغاز رسمی چانه‌زنی‌های دستمزد ۱۴۰۵، بحث افزایش این مؤلفه دوباره در دستور کار قرار گرفته است. «علی خدایی» عضو کارگری شورای عالی کار، اعلام کرده پیشنهاد شورای این بوده که افزایش حق مسکن از بهمن‌ماه اجرایی شود؛ پیشنهادی که اگرچه از نظر زمان‌بندی غیرمعمول به نظر می‌رسد، اما به روشنی نشان می‌دهد فشار معیشتی به سطحی رسیده که حتی تصمیم‌های مزدی نیز از تقویم‌های متعارف عبور کرده‌اند.

خدایی تأکید کرده که در صورت تصویب رقم پیشنهادی در هیأت دولت، این تصمیم برای اجرا به تمام کارگاه‌های مشمول در سراسر کشور ابلاغ خواهد شد و کارفرمایان ملزم به تبعیت از آن هستند. به گفته او، هر سه گروه حاضر در نشست‌های اخیر شورای عالی کار—نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران—با اصل افزایش حق مسکن موافق بوده‌اند و همین هم امیدواری نسبت به تصویب سریع‌تر این رقم را تقویت کرده است.

در کنار این بحث، خدایی بار دیگر به محور اصلی مذاکرات مزدی اشاره کرده است: ماده ۴۱ قانون کار. ماده‌ای که مبنای تعیین حداقل دستمزد را بر دو پایه استوار می‌کند؛ نرخ تورم و سبد معیشت حداقلی خانوارهای کارگری. از نگاه نمایندگان کارگری، اصل ماجرا نه بازی با درصد‌ها، بلکه نزدیک کردن دستمزد به هزینه‌های واقعی زندگی است؛ هزینه‌هایی که در سال‌های اخیر با شتابی نگران‌کننده افزایش یافته و

در زمستان هر سال، پرونده دستمزد به مهم‌ترین دغدغه طبقه کارگر بدل می‌شود؛ جایی که کارگران شاغل و بازنشسته، با بیم و امید فرساینده، چشم به پایان مذاکراتی می‌دوزند که گاه بیش از آنکه یک گفت‌وگوی اقتصادی باشد، به تورنمنتی طولانی و کشدار شباهت دارد. امسال اما وزن این چانه‌زنی‌ها سنگین‌تر از همیشه است؛ تورم‌فراينده و جهش نزدیک به ۹۰ درصدی قیمت خوراکی‌ها در یک سال منتهی به دی‌ماه، سفره کارگری را بیش از پیش نحیف کرده و انتظار جبران عقب‌ماندگی معیشتی را به مطالبه‌ای فوری بدل ساخته است. در دو نشست اخیر شورای عالی کار، پیش از آغاز رسمی مذاکرات مزد ۱۴۰۵، نشانه‌ای از حساسیت و اضطراب این فصل تعیین‌کننده است.

## بحث‌هایی در مورد حق مسکن

حق مسکن کارگران مشمول قانون کار، در نظام دستمزد ایران جایگاهی ویژه و در عین حال حساس دارد؛ مولفه‌ای که برخلاف بسیاری از اقلام مزدی، سرنوشت نهایی آن نه در شورای عالی کار، بلکه در هیأت دولت رقم می‌خورد. به بیان دقیق‌تر، شورای عالی کار در این زمینه نقش پیشنهاددهنده دارد و تنها پس از تصویب دولت است که رقم حق مسکن فعلیت می‌یابد، قابلیت ابلاغ پیدا می‌کند و برای تمام کارگاه‌های مشمول لازم‌الاجرا می‌شود. همین تفاوت حقوقی و اجرایی، حق مسکن را به یکی از نقاط کانونی مذاکرات مزدی بدل کرده است؛ نقطه‌ای که هم می‌تواند نشانه‌ای از همراهی دولت با مطالبات معیشتی باشد و هم می‌تواند به گره‌ای اداری

۶۶

## نرخ تورم

## نقطه به نقطه

## خوراکی‌ها

## در دی‌ماه

## به حدود ۹۰

## درصد رسیده

## و مبنای

## محاسبات

## کمیته مزد

## برای تعیین

## حداقل

## دستمزد

## ۱۴۰۵

## کارگران قرار

## گرفته است

خبر N E W S



سمیه گلپور

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران

## ترمیم دستمزد کارگران؛ اولویت دولت

طرح دوباره موضوع «منطقه‌ای شدن دستمزد» در جلسات شورای عالی کار را می‌توان نشانه‌ای از دغدغه‌مندی سیاست‌گذار برای یافتن راه‌حل‌های دقیق‌تر و متناسب‌تر با واقعیت‌های اقتصادی کشور دانست. طبیعی است در شرایط پیچیده امروز، مجموعه دولت و به‌ویژه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به دنبال سازوکارهایی باشد که بتواند هم از اشتغال صیانت کند و هم به عدالت مزدی نزدیک‌تر شود. با این حال، تجربه‌های گذشته و واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد ورود به چنین بحثی، پیش از فراهم شدن مقدمات، ممکن است آثار ناخواسته‌ای بر جای بگذارد و خود مسئله معیشت را در حاشیه قرار دهد. در اصل، دستمزد منطقه‌ای زمانی می‌تواند به عنوان یک ابزار سیاستی مطرح شود که نظام کنترل تورم و مدیریت قیمت‌ها از ثبات و کارآمدی لازم برخوردار باشد.

وقتی قیمت کالاهای اساسی و خدمات عمومی در بازه‌های کوتاه تغییر می‌کند، هر نوع تعیین دستمزد بر پایه جغرافیا یا ریسک افزایش بی‌عدالتی همراه می‌شود.

از سوی دیگر، اجرای چنین مدلی نیازمند سامانه‌های دقیق، داده‌های شفاف و شاخص‌های به‌روز هزینه زندگی است؛ زیرساخت‌هایی که خوشبختانه مسیر تکمیل آن‌ها در سال‌های اخیر آغاز شده، اما هنوز تا نقطه اتکا فاصله دارد و باید با دقت بیشتری تکمیل شود.

نکته مهم‌ترین است که مسئله اصلی جامعه کارگری امروز، شکل دستمزد نیست؛ فاصله دستمزد با هزینه‌های واقعی زندگی است. سبد معیشت کارگران، برخلاف گذشته، دیگر یک عدد ثابت و سالانه نیست؛ هر روز تغییر می‌کند. برآوردهایی که چند ماه پیش از سوی گروه‌های کارگری مطرح شد و حدود ۲۳ میلیون تومان بود، اکنون با شتاب تورم و افزایش قیمت‌ها، نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی فوری است.

در چنین فضایی، اولویت باید تقویت قدرت خرید باشد؛ همان هدفی که وزارت کار نیز همواره در ادبیات رسمی خود بر آن تأکید داشته و آن را یکی از محورهای سیاست‌گذاری خود دانسته است.

واقعیت این است که با شرایط تورمی موجود، حتی اگر دستمزد کارگران تا ۷۰ درصد هم افزایش پیدا کند، باز هم فاصله با خط فقر به طور کامل پر نمی‌شود. حداقل حقوق فعلی حدود ۱۲ میلیون تومان است و اگر چند میلیون تومان هم به آن افزوده شود، باز هم با سبد معیشت فاصله‌ای جدی دارد.

این فاصله، تنها یک اختلاف عددی نیست؛ فاصله‌ای است که مستقیماً به کیفیت تغذیه، سلامت، آموزش و امنیت روانی خانواده‌های کارگری گره خورده و پیامدهای آن دیر یا زود در شاخص‌های اجتماعی و حتی بهره‌وری اقتصادی آشکار می‌شود.

از این رو، انتظار جامعه کارگری آن است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با همان رویکرد حمایتی و مسئولانه‌ای که از آن شناخته می‌شود، مسیر تصمیم‌گیری مزدی را به سمت ترمیم واقعی قدرت خرید هدایت کند؛ به گونه‌ای که هم تولید آسیب نبیند و هم شأن نیروی کار حفظ شود.